

باسم رب المستضعفين

گفتگوی "انقلاب"

من درون شیشه های عصر حاضر دیده ام
آنچنان زهری که از وی، مارها در پیچ و تاب
انقلاب
انقلاب ای انقلاب

بنام "خدا" + "انسان" و مردم خوب ایران(1) اصلاحات، انقلاب و هر گونه تحولی از این دست، در رابطه با انسان است که قیمت پیدا می کند(2) گر چه عده ای همیشه به چانه زنی دل خوش می دارند، اما بهای خرف از مروراید، وقتی عیان می شود که عیاری در کار باشد. انشالله که عیار این محک، جیب من و شما یا گروهی کوچک از بزرگ مردم نخواهد بود(3) نطفه های یک انقلاب ناب، همواره در "نیاز" های مردمی است که بسته می شود. و در چنین تاریخ مبارزاتی جامعه، پرورده می گردد. در شرایط تاریخی معینی از "رنج" ها و "آرزو" ها با فریادی از گریه (شاید شوق) تولد می یابد، در بند "نسبیت" ی که گرایش به جاودانگی را از "آدم" نمی تواند گرفت(4) همچون بهار از راه می رسد، از هر سیم خاردار یا دیوار بلند بر می گذرد. گروهی قدم نورسیده را مبارک می دارند و به پروراندیش، آستین همت بالا می زنند. گروهی دیگر، با چهره ای عبوس، همچون میهمانی ناخوانده، مقدمش را در تعارفات رایج فرهنگی مان با لبخندی زورکی و نگاهی مزورانه، خوشامد می گویند. آرمان مستضعفین در کوچه های شهر، با صدایی بلند فریاد می شود. گویی در تقابل "رنج" و "آرزو"، اینک رنج، سر بزیر لاک بالقوگی می کشد و آرزو اما، همچون کودکی در میدان می رقصد و می خواند: "تاب تاب عباسی، خدا منو نندازی، من... (5) و چشمان شیشه ای، هم که می چرخد و میدان را می یابد. اربابان زمین را می گویم... (6) و پیام رهایی انسان از بند بندگی + خودآگاهی، که جایگاهت را در حلقه وجود بر تو می نمایاند.

هر آنکسی که در این حلقه نیست زنده به عشق

بر او نمرده

به فتوای "حافظ"

نماز باید کرد(7)

آنچه در اینجا می خوانید، برآمده از گفتگوی حلقه ای از جمع مومنان خدا و عاشقان مردم ایران می باشد.(8)

که در طی این دوره فعالیتها، روابطمان گسترش یافته، الزامات جدیدی پدید آمده. از آنجا که هویتی عقیدتی و سیاسی داریم، دستان نیروهایی را به دوستی می فشاریم که توانایی راهگشایی عقیدتی داشته، یا مستعد فعالیتهای سیاسی در جهت منافع مستضعفین باشند+ مشتاق دریافت نظریات و بویژه انتقادات شما هستیم(9)

حکومتهایی که منشا "قدرت" را در مردم می دانند. و حاکمیتی که قدرتش را از جایی دیگر مشروعیت می بخشد+ تکیه گاههای فکری و پایگاههای طبقاتی آنها و قدرتهای استعماری (در کشورهای تحت استعمار)، شرایطی را در ادامه روند تاریخ ایران بر ما فراهم می آورد که تفکر و تعادل برای "انقلاب" و سمت و سوی آنرا در نظر تا عمل، بر روشنفکران و پیشگامان مردمی، واجب می دارد(10)

اصلاحات، انقلاب یا هر تحولی از این دست، در رابطه با مردم و انسان است که معنا پیدا می کند، از اینرو واژه های کلیدی ما همچون؛ انسان، نفس، فرد، استضعاف، استکبار، استثمار، مردم، ستم، کذب و سوسیالیسم، عرفان، خردگرایی، رستگاری، آزادی، رهایی اجتهاد، امام (رهبری)، امت و... (11)

دوباره، انگار به دام بحثهای روشنفکراه و ذهنی افتادیم. انقلاب و مردم، خودشان را معطل دردهای من و شما نمی کنند. آنجا رنجها واقعی است. طبقه، بحثی اقتصادی منحصر به سلسله بحثهای آکادمیک فلان استاد و پرفسور در یک دانشگاه رسمیت یافته در خدمت سرمایه دار نیست. طبقه، از آدمهایی می گوید که ظالمانه چپاول می کنند، صحبت از مردمانی است که مظلومانه در فقر و بیچارگی دست و پا می زنند(12)

آقا، اینجور که نمی شود از این بحث ها به نتایجی منطقی رسید. من پیشنهاد می کنم که تقسیم کار در گروه ما، نیروهای اجرایی و تئوریک را سامان دهد. اگرچه خطر تک بعدی شدن را بیشتر می کند (13)

آنچه تاریخ ما نشان می دهد؛ برای مبارزه با استبداد و امپریالیسم، راهی جز انقلاب وجود ندارد+یک انقلاب ضد امپریالیستی در ایران، چه شعاری جز استقلال، آزادی و عدالتخواهی می تواند داشته باشد؟ خودآگاهی و تضادهای دیالکتیکی جامعه، جوهره اصلی انقلاب، انسان، مهمترین عامل انقلاب. تقابلهای استبداد با امپریالیسم، جامعه ما را به بن بست کشیده، جنبشهای دانشجویی + روشنفکری و کارگری در راستای انقلاب، می توانند این بن بست را بشکنند+نقش مهم نهادهای مستقل مردمی.

نکته دیگر اینکه، هر انقلابی در ایران باید پاسخگوی مسائل قومی باشد(14) دید انتقادی به انقلاب، بر دانش و توانایی انقلابی جامعه خواهد افزود. انقلاب 57 بیشتر، ضربتی و قالبی بود تا پروسه ای و محتوایی. تدوین تئوری انقلاب، نه از موضع واکنشی نسبت به دشمن، آنچنانکه مجاهدین کردند. انقلاب مبتنی بر جهان بینی باز، نه بسته، آنچنانکه ارتجاع می کند+خسونت، هرج و مرج و... (15)

به نظر من آنچه در صد سال اخیر در تحولات ایران شاهد بوده ایم را نمی شود انقلاب نامید. تحولات از مشروطه تا به امروز را بهتر است "مراحل انقلاب" بنامیم، انقلابی که در راه است. انقلابی که سبب سازتغیراتی جدی در "ارزشها" و "زیرساخت" جامعه خواهد بود و لاجرم، "انسان"+تأثیرات متقابل جهانی آن. انسانی، ساخته دست ایدولوژی ها +تأثیرات آن در انقلاب و تحولات اجتماعی+تأثیر انقلاب بر مردم و جامعه، جامعه طبقاتی و تضادهایی که در هر مقطع تاریخی، درجه بندی خاص خود را می یابند. و ضایعه یی توجهی به عناصر و پتانسیلهای عقیدتی و فرهنگی در انقلاب، و چگونگی ترکیب عوامل مرکب انقلاب در پاسخگویی به "نیازهای مردمی" (16)

با فروپاشیدگی شوروی و حاکمیت سرمایه داری (غربی) بر جهان، حرکتهای انفجاری به رکود کشیده می شود. خاورمیانه حساسیت خاصی پیدا کرده، روند آمیزش دیدگاههای متفاوت آخوندها با خواسته های انقلابی مردم، بعد از 25 سال، به گسست بیشتر مردم با رژیم انجامیده. انتخابات اخیر، توهومات را از بین برد. اقتصاد کشور در دست بازاریان و بنیادها، خصوصی سازی متأثر از فشار سرمایه داری جهانی، بیش از 75 % مردم را به زیر خط فقر کشیده و بالطبع فساد، که در اندام جامعه دیده می شود، ریزش مدام نیروها از رژیم، رشد سطح آگاهی مردم، +توسعه امکانات رسانه ای، روند رو به استقلال نهادهای دانشجویی و حرکتهای مردمی و ... نشانه های امیدبخش است. هنر سینما هم در ایران امروز، کیفیتی دیگر دارد، موجب تفاخر، رژیم در اجابت خواسته های مردم که در شعارهای ضد سلطنتی فریاد می شد، هیچ موفقیتی نداشته. کدام اصلاحات، توانایی بر آوردن نیازهای امروز جامعه را می تواند داشت؟ با جابجایی مهره ها و تغییرات روینایی، البته کاری انجام می شود. اما نه کارساز(17)

شکست اصلاحات، نشر نظریات مخالف با انقلاب، در ایران، ما را بر این داشت تا از انقلاب بگوییم. گاهی اینطور بنظر می رسد که صحبت از انقلاب در شرایط پیچیده فعلی به اتوپیا سازی می ماند. استبداد مذهبی و نظام جهانی، امروزه از بزرگترین موانع پیش پی انقلاب است+ریشه های تاریخی این موانع، در افشار مردمی ایران، نگاه عاطفی بر منطق غلبه دارد. فشار استبداد و سرکوب، جامعه را سیاسی کرده، گرچه علاج کار ما را سیاست به تنهایی نمی تواند. نظام آموزشی، بعنوان بخشی از نظام سیاسی، رهبران کارازماتیک و فرهمند، خود مانعی بر سر راه تغییرات بنیادین، نحلتهای سیاسی چپ و انقلابی، در موضع ضعف، آشفستگی در فرهنگ نوین بعد از مشروطه، خود سبب نیرومندتر شدن استعمار، ناآگاهی طبقات فرودست و...

"سنت" بر همه چیز تسلط یافت و ناکار آمدیش را ثابت کرد. مافیای قدرت و ثروت، می خواهد خود را قانونی جلوه دهد. نظام شبه پارلمانتاریستی هم در ایران ناکار آمد است، مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و معلمان، رژیم را در ابعاد گوناگونی به چالش کشیده است. سنگ بناهای اولیه انقلاب در ایران با؛ فعالیت در حوزه های عملی+کار فکری و فرهنگی مبتنی بر نیازهای مردم و آرمانها، گذاشته می شود(18)

انقلاب در ایران، وقتی چهره روشنتری را می یابد که با کشورهای همسایه، همچون عراق، ترکیه و پاکستان مقایسه شود. تحولات آنها غالباً با کودتا و نظامیگری همراه بوده در حالیکه تحولات تاریخی ایران، چهره ای متفاوت و بیشتر سیاسی را نشان می دهد(19)

وقتی انقلاب می خندد!

ما از پیشگامان مردمی، سخن می گوئیم، در حالیکه در شرایط ایران امروز، این مردم هستند که نیروهای سیاسی را بدنبال خود می کشند(20)

خاتمی، علیرغم ایجاد اتحاد در میان مردم اصلاح طلبان + ایجاد توهم و جلب حمایت مردم+ کمی موفقیت در تبدیل مخالفین به منتقدین و تنش زدایی در سیاست خارجی و...

شاید به علت کمر درد و از دست دادن لبخندش قافیه را می باز(21)

دکتر سروش، با حمایت از خاتمی، پا به سیاست می‌گشاید. با طرح انقلاب مخملین سیاست و فرهنگ را بهم می‌آمیزد. امیدوارم در آینده حوزه سیاست را از فرهنگ، در برابر روشنفکران و نیروهای سیاسی از هم تفکیک بنماید. و هر کس پی کار خود گیرد(22)

از جمله ویژگیهای اصلاح طلبان ایرانی؛ مخالفت با سوسیالیسم + ضدیت با انقلاب و نوعی مراودات انتقادی(!) با امپریالیسم می‌باشد. ویژگیهای انقلابیون ایرانی را بعدا به استحضار خواهیم رسانید. با احترام به ندایی که هر گروه سیاسی را از استعمال پسوندها و پیشوندهای کاذب و دشمن آفرین بر حذر می‌دارد(23)

زنده باد انقلاب

زنده با سوسیالیسم و آزادی

سوسیالیستهای مسلمان

اردیبهشت 1383 برابر با آپریل 2004

$$(13) \quad "$$

$$" + "$$

! ...

$$" + " \quad (14)$$

$$() \quad " \quad (15) \quad " + " \quad ()$$

$$! \quad (16)$$

$$2003 = 82$$

$$2 \quad + \quad " : \quad "$$
$$(17) \quad \dots$$
$$+ \quad +$$
$$+ \quad \dots$$

$$(18)$$

$$\dots \quad " \quad "$$
$$\dots \quad + \quad (19)$$

$$+ \quad + \quad " \quad : \quad " \quad "$$

-
.1

.2

: -

« » 2

»

...

«

()

()

« »

« »

. « »
!« - -
...
) ()
() ()
()
) !
(-
()
()
« »

()

(

....

1357

« »

« - »

(1357

)

(« »)

« »

!

-1

1357

1357

()

1357

!

()

1357

1357

1357

«

»

)

(!

!«

»

...

! « » « »

...

(57 -)

-

!

-

!

57

«

»

()

) .
.(!

-

-

()

! ()

70

()

« »

(-)

- (() -)

•
•
•

: - 2

!

()
« »
:
)
.(

•
•
•
•
•
()

!
!

)

.(

•

•

•

.

.

8)
(

76 2

-1

-3 .

(

)

-2

-4 .

(

)

()

()

)

(...)

(

()

" "
()

()

()

()

:

-2

-1

" "

:

(246

)

-1

(148 18

- :

345 342 31

() -1
() -2 ()

-3

)
 .
 (.
 : .
 .
 :
 -2 -1
) !!! -3 -4 (-5
 -6 -7
 -8
 : -
)
 ()
 : -3 -2 -4 -1
 () -5
 -6 -7
 ()
 :
 .
 .
 : ... 8
 -
 .
 :
 ()
 .

)

(

-2.

-1

-3.

:

.....

-1

-

)

(

-1

()

-2

-3

-5

-4

-6

2004

(2)

"

"

"

"

" "

"

:

1

2

" "

" " " " " "

“ ”

3

“ ”

!

()

4

“ ”

“ ”

...

“ ”

5

•
• " "

6

7

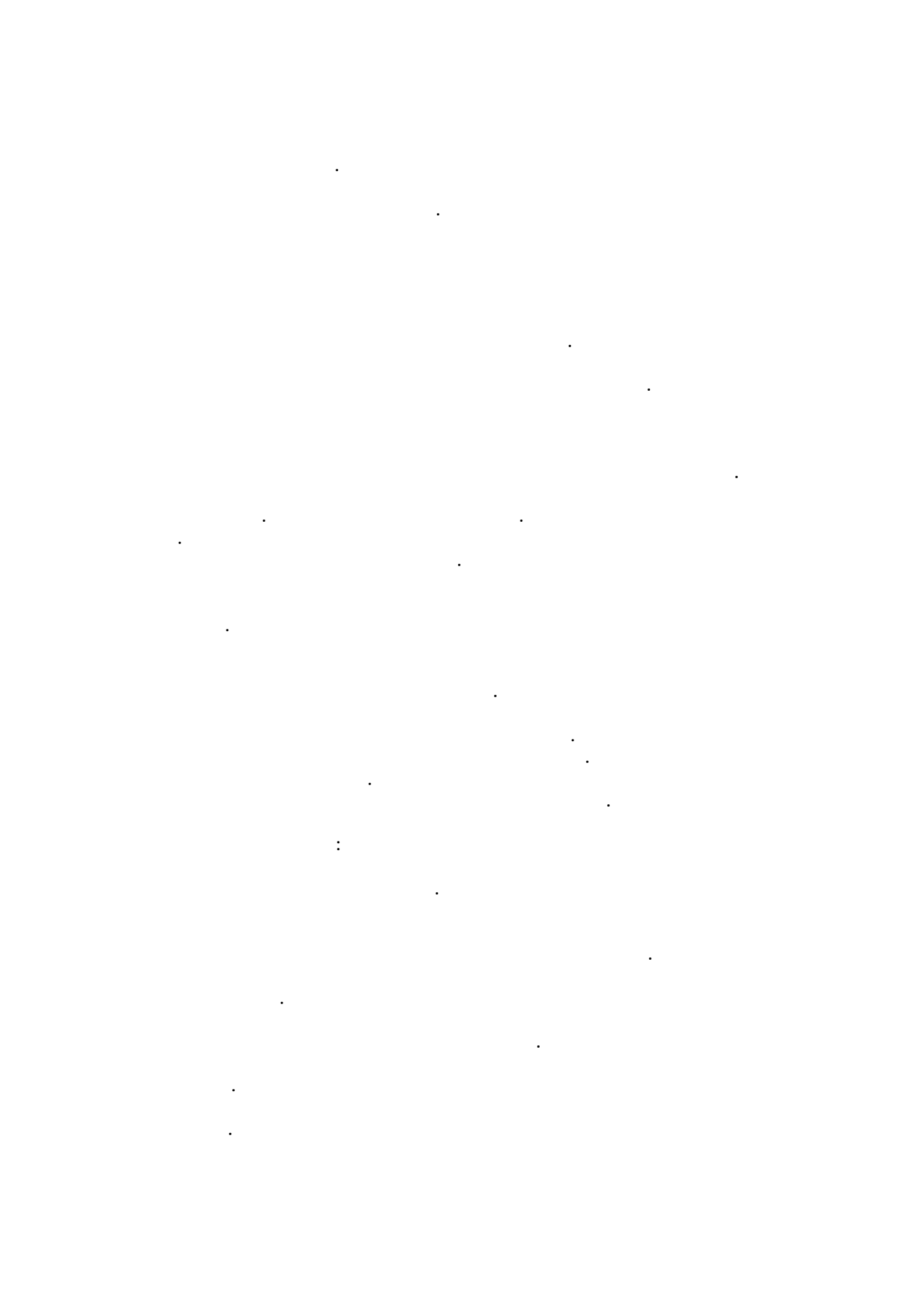
“

”

8

“

”



78

76

78

1 :

2.

"

"

"

"

!

1

2

3

4

5